

متافیزیک و طلسم

سیری در اندیشه‌های متافیزیک از دیدگاه اسلام

انسان موجود بسیار پیچیده‌ای است و دارای قدرتهای عجیب و غریب فراوان می‌باشد، که این خود نشانه و آیت عظمت خالق تواناست (فتبارک الله احسن الخالقین). از این روست که می‌تواند کارهای خارق‌العاده و غیر طبیعی انجام دهد، این گونه کارها معمولاً از ابعاد فیزیک و متافیزیک وجود بشر منشاء می‌گیرد. در بعد فیزیک انسان می‌تواند با کمک ابزار و با انجام تمرینات، سرعت خود را در انجام برخی کارها افزایش دهد و یا نسبت به برخی پدیده‌ها عادت پیدا کند که برای سایرین عجیب می‌نماید. در بعد متافیزیک انجام این کار با استفاده از نیروی‌های روانی، فراروانی و روحی صورت می‌گیرد. برخی افراد با بهره‌گیری از این توانایی‌های خارق‌العاده اقدام به پیشبرد اهداف شوم خود می‌کنند و یا حداقل این امور را بهانه‌ای برای کسب درآمدهای مالی و مادی قرار می‌دهند. البته محدود افرادی نیز یافت می‌شوند که از این توانمندیها برای خدمت به خلق و یا در انجام کارهای خیر و مثبت بهره می‌گیرند. در جامعه امروز علی‌رغم تمام پیشرفتهای صنعتی و علمی، هنوز افراد زیادی برای حل مشکلات خود به این روشها روی می‌آورند و به این بهانه‌ها مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. لذا بر آنیم تا با تشریح و نقد و بررسی این مقولات آگاهی لازم را به عموم منتقل نموده تا جلوی سوء استفاده برخی افراد فرصت طلب گرفته شود، همچنین می‌خواهیم یادآور شویم که یگانه قدرت مؤثر در عالم خدای قادر می‌باشد (الله الواحد القهار)، لذا بهتر است برای حل مشکلات بجای روی آوردن به سحر، طلسم، جادو و امثال آن به درگاه رحمت حضرت حق پناه بریم، جای بسی تأسف است که هنوز در عمل، به این مطلب مهم اعتقاد پیدا نکرده‌ایم که «و من یتوکل علی الله و کفی بالله وکیلاً».

انجام امور خارق‌العاده معمولاً از طریق علوم غریبه صورت می‌گیرد. علوم غریبه دارای پنج شاخه اصلی می‌باشد که عبارتند از: علم کیمیا، علم لیمیا، علم هیمیا، علم سیمیا و علم ریمیا. البته این علوم دارای شاخه‌های فرعی نیز می‌باشند که از آن جمله می‌توان به علم اعداد و اوقاف، علم احضار ارواح، علم تنویم مغناطیس و خافیه اشاره کرد. موضوع علم کیمیا، چگونگی تبدیل صورت یک عنصر به صورت عنصر دیگر می‌باشد. این همان است که در طول تاریخ افراد زیادی به دنبال آن بوده‌اند و قصد

تبدیل خاک به طلا داشته‌اند. داستانهای زیادی در ادبیات ملل مختلف دربارهٔ کیمیا وجود دارد، ظاهراً عرفا دارای این قدرت بوده‌اند(آنان که به یک نظر خاک را کیمیا کنند). علم لیمیا، علم تسخیرات است. در این شاخه چگونگی تأثیرهای ارادی در صورت اتصالات با موجودات ماورائی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. لیمیا منجر به کسب قدرت تسخیر جن و روح می‌شود. منظور از تسخیر آن است که موجودات در اختیار و به فرمان انسان باشند .

معمولاً افراد سودجو معمولاً افراد سودجو برای رسیدن به اهداف خود(که عمدتاً اهداف غیر معنوی و مادی است) از این موجودات تسخیر شده بهره می‌برند. در علم هیمنیا، ترکیب قوای عالم بالا با عناصر عالم پایین مد نظر است و به آن علم طلسمات نیز می‌گویند. در طلسم از طریق برخی ابزار و وسایل مادی(عناصر عالم پایین) نیروهای ماورائی جهت انجام کارها به خدمت گرفته می‌شوند. ظاهراً طالع‌بینی نیز زیر مجموعهٔ هیمنیا می‌باشد. در طالع‌بینی اعتقاد بر این است که محل و موقعیت قرار گرفتن ستارگان در لحظه تولد نوزاد، بر سرنوشت و آینده او تأثیر می‌گذارد و از این طریق نسبت به پیشگویی در مورد آینده اقدام می‌شود. طالع‌بینان معمولاً با استناد به تأثیرات ماه، خورشید و ستارگان دیگر پیشگویی می‌کنند. در کل پیشگویی و اطلاع از اخبار آینده مورد تأیید نمی‌باشد، هرچند که ممکن است این کار عملی باشد. اگر لازم بود انسان از آینده با خبر باشد، مسائل آینده در حجاب و پوشش قرار نمی‌گرفت و یقیناً پوشیده بودن آن حکمت الهی داشته و خیر عموم در آن است. سیمیا علم ترکیب نیروهای روانی و جسمانی است. به عبارت دیگر هماهنگ ساختن و خلط کردن قوای ارادی با قوای مخصوص مادی می‌باشد. از این علم برای دستیابی و تحصیل قدرت در تصرفات عجیب و غریب در امور طبیعی استفاده می‌شود. برای مثال تصرف در خیال مردم و تغییر آن از این دسته است. علم ریمیا استفاده از قوای مادی در انجام امور خارق‌العاده است. مانند کاری که معمولاً شعبده‌بازان انجام می‌دهند. این افراد از توان نهفته در امکانات و وسایل مادی با ظرافت خاصی برای انجام کارهای عجیب و غریب بهره می‌گیرند . کهانت و سحر نیز از همین مقولات می‌باشند . کهانت خبرگیری و یا طلب یاری از جن یا ارواح و امثال آن است .

در کلام معصومین از کاهن به عنوان کافر یاد شده است. سحر، انجام امور خارق عادت از طریق دعا، افسون و طلسم می‌باشد. سحر کفر به خداست و تصرف و دست یازیدن در عالم بر خلاف وضع عادی آن می‌باشد . سحر مایهٔ شر بوده، شوم‌ترین منابع فساد در اجتماع بشری است. منشاء سحر ابلیس می‌باشد و از این طریق نیز به سایر شیاطین(انسی و جنی)

منتقل شده است. کسانی که از سحر و جادو استفاده می‌کنند با شیاطین در ارتباط هستند. امروزه وجود و تأثیرات سحر، طلسم و امثال آن از دیدگاه دین و علم اثبات شده است ولی دین رفتن به سمت این امور و استفاده از آن را شدیداً نهی می‌کند. مبین آن اینکه حضرت علی (علیه‌السلام) - امام عارف و آگاه به علوم غیب - می‌فرماید: «هر که چیزی از جادو بیاموزد، کم یا زیاد، کافر است.» موضوع دیگر از این مقولات نجوم می‌باشد، که از دو دیدگاه قابل بررسی است. اول علم نجوم که توسط دانشمندان فیزیک، ریاضی و ستاره‌شناسان و به صورت علمی و یا روشهای تجربی مورد نقد و بررسی است. دوم علم نجوم که بیشتر توسط طالع‌بینان و با روشهای متافیزیک برای کشف امور پنهانی مورد استفاده می‌باشد. ظاهراً حالت اول بلامانع و حالت دوم محل اشکال است. در حالت دوم می‌توان به سه صورت به موضوع نظر داشت. اول اعتقاد به تأثیر حرکات کواکب در موجودات و عالم هستی که تحریم شده است، دوم اعتقاد به خدای سبحان به عنوان تنها مؤثر در عالم هستی که اندیشه‌ای بسیار عالی است، سوم اعتقاد به اینکه ارتباط حرکات کواکب با حوادث و رخدادها از نوع ارتباط کاشف و مکشوف است که این دیدگاه اشکال ندارد (تحریم نشده ولی تأیید نیز نشده است). خلاصه کلام آنکه اگر انسان، ستارگان و کواکب و حرکات آنها را عامل مؤثر بر سرنوشت بداند (و یگانه قدرت مؤثر بر هستی را از یاد برد) و از این طریق پیشگویی کند، راه را خطا رفته و از سبیل الی‌الله خارج شده است. در پاورقی صفحه ۶۲۳۵ کتاب گرانقدر «میزان الحکمه» به نقل از مبحث تنجیم کتاب مکاسب آمده است: «پیشگویی کردن از روی اوضاع کواکب و حرکات آنها اشکال ندارد، به این معنا که کسی، با مشاهده وضع معینی در ستارگان مانند نزدیکی و دوری و مقابله و اقتران میان دو ستاره، به صورت گمان و تخمین حکم به وقوع فلان حادثه در آینده بکند... و بلکه علی‌الظاهر، پیشگویی کردن به صورت قطع و جزم نیز اشکالی ندارد...» سحر و طلسم علی‌رغم وجود و تأثیرات غیر قابل انکار آن، قابل ابطال است. ابطال سحر و طلسم از طرق مختلف امکان پذیر است. احتمالاً تنها کار مجاز در امور سحر و طلسم نیز ابطال آن به قصد کمک به خلق با نیت رضای حق تعالی می‌باشد. بهترین شیوه برای ابطال طلسمات، توکل به خداوند قهار و جبار و پناه بردن به اقیانوس بی‌کران رحمت او، قرآن کریم می‌باشد، چرا که «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین». برای جلوگیری از تأثیرات سحر و طلسم قرائت قرآن کریم بخصوص سوره‌های کافرون، اخلاص، فلق و ناس بسیار مؤثر است. بخصوص تلاوت سوره‌های فلق و ناس در ابطال تأثیرات سحر و طلسم بی‌نهایت مفید می‌باشد. **جای بسی تأمل و تعمق است که انسان می‌تواند آن همه توان و نیروهای خارق‌العاده خود را (که موهبتی الهی**

است) در راه شناخت حق تعالی صرف کند و جزو سالکان طریق الی الله قرار گیرد، با این حال چگونه با استفاده‌های منفی از توانمندیهای خود جزو سالکان در طریق الی شیطان می‌شود؟! (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم)